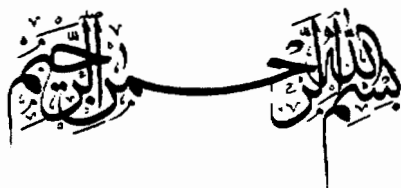




نخستین رویارویی‌های
هنر عصر ناصری
با هنر غرب

موسیقی
نمایش
نقاشی

مصطفی لعل شاطری



نخستین رویارویی‌های هنر عصر ناصری
با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی)

مصطفی لعل شاطری

سرشتانه	: لعل شاطری، مصطفی، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نخستین رویارویی‌های هنر عصر ناصری با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی)
مشخصات نشر	: مصطفی لعل شاطری
مشخصات ظاهری	: مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۷
شابک	: ۳۴۶ ص: ۱۶/۵ × ۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۶۱۹-۱
یادداشت	: فضا
یادداشت	: کتابنامه: ۲۷۹ - ۳۱۳
موضوع	: نمایه.
موضوع	: هنر قاجاری
موضوع	: Art, Qajar
موضوع	: نمایش -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.
موضوع	: Theater -- Iran -- History -- 19th century
موضوع	: موسیقی -- ایران -- قرن ۱۳ق.
موضوع	: Music -- Iran -- 19th century
موضوع	: نقاشی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.
موضوع	: Painting -- Iran -- History -- 19th century
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۳۶۷۲۸۵N
رده بندی دیویی	: ۷۰۹.۵۵
شماره کاتالانسی ملی	: ۵۲۱۶۹۱



دفتر نشر: مشهد - خیابان آبکوه ۷- دانشسرای ۸ - شماره ۹۰
 تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ | دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲ | www.marandiz.com

نخستین رویارویی‌های هنر عصر ناصری با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی)

تألیف: مصطفی لعل شاطری

چاپ: دانا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۶۱۹-۱

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرار داد محفوظ است
 هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات این کتاب بدون اجازه کتبی ممنوع است. متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصطفی لعل شاطری در رشته تاریخ (گرایش ایران اسلامی) است که در سال ۱۳۹۳ در دانشکده ادبیات علوم انسانی (دکتر علی شریعتی) دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر عباس سرافرازی و مشاوره دکتر هادی وکیلی از آن دفاع شده است. متعاقبا دکتر مهرداد مهری (مدیر پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد) نسبت به چاپ پایان‌نامه مزبور در قالب کتاب، پیرو نامه شماره ۶۲۵۶۹ مورخه ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ موافقت خود را رسماً و کتبا اعلام داشته است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
فصل اول: نظری به روابط هنری ایران و غرب (۱۲۱۰-۱۶۵۱ق/ ۱۷۹۵- ۱۲۵۲م).....	۱۵
۱-۱. از مغولان تا آق قویونلوها.....	۱۷
۲-۱. روابطی نزدیک در عصر صفویه.....	۲۰
۳-۱. افشاریه و زندیه.....	۲۷
فصل دوم: زمینه‌های تأثیرپذیری از هنر غرب.....	۲۹
۱-۲. مبلغان مذهبی (مسیونرها).....	۳۱
۱-۱-۲. اوج فعالیت مسیونرها.....	۳۴
۲-۱-۲. دوران محمدشاه.....	۳۵
۳-۱-۲. عصر ناصری.....	۴۰
۲-۲. اعزام محصلان به خارج از کشور.....	۴۶
۱-۲-۲. دوره عباس میرزا.....	۴۶
۲-۲-۲. محصلان اعزامی از جانب محمدشاه.....	۵۵
۳-۲-۲. عصر ناصری.....	۵۷
۳-۲. تأسیس دارالفنون.....	۶۱
۱-۳-۲. زمینه‌های فکری ایجاد دارالفنون.....	۶۱
۲-۳-۲. استخدام معلمان اروپایی.....	۶۳
۳-۳-۲. ورود معلمان هنر به سبک غربی.....	۶۷
۴-۳-۲. مدرسان ایرانی به سبک اروپایی.....	۶۹

- ۷۱ ۵-۳-۲. ثمرهٔ تغییر دیدگاه ناصرالدین‌شاه به دارالفنون
- ۷۵ ۴-۲. سفرهای ناصرالدین‌شاه به فرنگ
- ۷۵ ۱-۴-۲. زمینه‌های فکری سفر به فرنگ
- ۷۷ ۲-۴-۲. سفرهای سه‌گانه
- ۸۲ ۳-۴-۲. مشاهدات ناصرالدین‌شاه
- ۸۹ فصل سوم: تأثیر غرب بر موسیقی**
- ۹۲ ۱-۳. موسیقی در دربار (آغامحمدخان - محمدشاه)
- ۹۹ ۲-۳. ناصرالدین‌شاه و موسیقی
- ۱۰۷ ۳-۳. موسیقی نظامی، پیش‌قراول نفوذ موسیقی غربی
- ۱۰۸ ۱-۳-۳. پیشینهٔ تاریخی موسیقی نظامی
- ۱۱۱ ۲-۳-۳. نوبت‌بان هستهٔ اصلی موسیقی نظامی
- ۱۱۵ ۳-۳-۳. ورود و گسترش موسیقی نظامی غربی
- ۱۲۱ ۴-۳-۳. آلفرد ژان باتیست لومر
- ۱۲۵ ۵-۳-۳. تأثیر لومر بر موسیقی ایران
- ۱۲۸ ۴-۳. حوزه‌های تأثیرپذیرفته از موسیقی نظامی
- ۱۲۹ ۱-۴-۳. مجالس شاهانه
- ۱۳۰ ۲-۴-۳. تعزیهٔ تکیهٔ دولت
- ۱۳۳ ۳-۴-۳. مجالس عروسی و جشن‌های عمومی
- ۱۳۹ فصل چهارم: تأثیر غرب بر نمایش**
- ۱۴۲ ۱-۴. نمایش‌های رایج در عصر ناصری
- ۱۴۲ ۱-۱-۴. تعزیه
- ۱۵۰ ۲-۱-۴. معرکه
- ۱۵۴ ۳-۱-۴. نقالی
- ۱۵۶ ۴-۱-۴. تقلید

۱۶۴	۵-۱-۴. روحوضی.....
۱۶۶	۶-۱-۴. خیمه شب بازی.....
۱۶۹	۲-۴. تماشا و تماشاخانه در سفرنامه‌ها.....
۱۷۰	۱-۲-۴. سفرنامه میرزا صالح شیرازی.....
۱۷۳	۲-۲-۴. شرح مأموریت آجودان باشی.....
۱۷۶	۳-۲-۴. سفرهای سه گانه ناصرالدین شاه.....
۱۸۲	۴-۲-۴. سفرنامه ایران و روسیه.....
۱۸۴	۳-۴. نمایش نامه نویسی به سبک غربی.....
۱۸۵	۱-۳-۴. فتحعلی آخوندزاده.....
۱۹۳	۲-۳-۴. میرزا آقا تبریزی.....
۲۰۱	۴-۴. ترجمه متون نمایشی.....
۲۰۳	۱-۴-۴. ترجمه آثار مولیر.....
۲۰۵	۲-۴-۴. گزارش مردم گریز.....
۲۰۷	۳-۴-۴. طبیب اجباری.....
۲۱۰	۴-۴-۴. تمثیل عروس و داماد.....
۲۱۲	۵-۴-۴. عروسی جناب میرزا (عروسی اجباری).....
۲۱۵	۵-۴. نمایش به سبک غربی.....

۲۲۳ فصل پنجم: تأثیر غرب بر نقاشی.....

۲۲۶	۱-۵. پیشینه نفوذ غرب تا ابتدای قاجار.....
۲۳۷	۲-۵. حضور غرب در نقاشی قاجار.....
۲۳۸	۱-۲-۵. از آغامحمدخان تا محمدشاه.....
۲۴۵	۲-۲-۵. ناصرالدین شاه و نقاشی غربی.....
۲۵۲	۳-۵. جلوه‌نمایی سبک‌های غربی در آثار نقاشان.....
۲۵۳	۱-۳-۵. ابوالحسن غفاری (صنیع الملک).....
۲۶۱	۲-۳-۵. محمد اسماعیل اصفهانی.....

- ۳-۳-۵. اسماعیل جلایر..... ۲۶۲
- ۴-۳-۵. محمود خان ملک الشعرا..... ۲۶۳
- ۵-۳-۵. میرزا علی‌اکبر خان مزین الدوله..... ۲۶۶
- ۶-۳-۵. محمد غفاری (کمال‌الملک)..... ۲۶۷
-
- ۲۷۳..... فرجام سخن
- ۲۷۹..... کتاب‌نامه
- ۳۱۴..... نمایه اشخاص
- ۳۲۳..... نمایه اماکن

مقدمه

نفوذ فرهنگی - هنری غرب در مشرق‌زمین کمتر از سلطه نظامی و سیاسی این سرزمین‌ها نیست، زیرا آنان با هدف به انحصار درآوردن ذوق و اندیشه و تفکر ملل مشرق‌زمین، مقدمات تسلیم جوامع شرقی را نه در زمانی کوتاه و محدود، بلکه در دورانی طولانی و با ابعاد وسیع و گسترده مهیا کردند. این در حالی بود که در تاریخ کهن شرق، و به‌ویژه ایران، پویایی و صلابت و استحکام فرهنگی - هنری آن‌چنان در باور و اعتقاد مردم ریشه داشت که نه‌تنها امکان هیچ‌گونه تداخل، تأثیر و تقلیدی را فراهم نمی‌کرد، بلکه به گواهی تاریخ فرهنگ و هنر جهانی، ایرانیان با استفاده از مبانی راستین اندیشه و فرهنگ و خلاقیت هنری خود، فرهنگ استوار و زنده و پویایی را در رقابت با آنچه در مغرب‌زمین در جریان بود به جهانیان عرضه می‌کردند. از آنجا که تحولات فرهنگی - هنری هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند فارغ از رخدادها و وقایع اجتماعی - سیاسی شکل گیرد، متعاقباً مقدمات ورود و گسترش سبک‌های غربی در هنر ایرانی با گسترش روابط با ملل اروپایی از دوره صفوی فراهم شد؛ روابطی که در آغاز جنبه جلب دوستی دوسویه را داشت، اما لاجرم زمینه نفوذ هنر غرب را در ایران و مشخصاً در دوره قاجار و به‌ویژه عصر ناصری فراهم آورد. این نفوذ به تدریج گسترده شد و به تقلید از سبک‌های اروپایی از سوی هنرمندان در پرتو حمایت ناصرالدین شاه و در گام بعد درباریان او منتهی شد. موضوع نوشتار پیش رو بررسی و توصیف چگونگی و نحوه نفوذ هنر غرب

در هنر عصر ناصری است. بر این اساس، پرسش‌های اصلی عبارت است از اینکه زمینه‌های مهم تأثیرپذیری از فرهنگ غرب در عصر قاجار و به‌ویژه دوران حکومت ناصرالدین‌شاه، چه بود؟ و نیز نحوه نفوذ غرب در رایج‌ترین هنرهای این دوره - همچون موسیقی، نمایش و نقاشی - تا چه اندازه و به چه شیوه و تأثیرگذاری آن بر جامعه و هنرمندان چه مقدار بود و چه تأثیراتی را به همراه داشت؟ در پاسخ می‌توان گفت عواملی همچون حضور میسیونرها، اعزام محصلان به غرب، تأسیس دارالفنون و سفرهای ناصرالدین‌شاه به فرنگ از زمینه‌های مهم تأثیرگذار بر حوزه هنری عصر ناصری بود. همچنین، در پی استقبال ناصرالدین‌شاه، که مهم‌ترین رکن جامعه محسوب می‌شد، و از سویی حضور معلمان و محصلان بازگشته از اروپا در عرصه آموزش‌های هنری تا حد چشمگیری هنر غرب در ایران منتشر و رایج شد و متعاقباً هنرمندان از سویی برای به دست آوردن رضایت شاه و درباریان و از سوی دیگر به دلیل خودباختگی نسبی، به این جریان شتابی بیش از پیش بخشیدند. از این رو، سبک‌های سنتی ایران رو به فراموشی و اضمحلال نهاد و سبک‌های غرب به عنصری غالب مبدل شد.

با وجود اینکه گزارش‌های تاریخی در این دوره مبنای اصلی اثر حاضر را تشکیل می‌دهند، در منابع و نیز در آثار محققان و پژوهشگران معاصر به صورت موضوعی مستقل به این مسئله اشاره نشده است. هر چند منابع تاریخی عصر ناصری درباره تأثیر غرب بر هنر این دوره به شکل مختصر و پراکنده اشاره‌هایی داشته‌اند، از دلایل تأثیرگذار در این باره و همچنین چگونگی، آثار و پیامدهای این جریان سخنی به میان نیاورده‌اند. در تحقیقات معاصر نیز، اثر مستقلی که موضوع آن بررسی نفوذ هنر غرب در هنر عصر ناصری باشد وجود نداشت. در بهترین حالت، فقط به ذکر مختصری از هنرهای رایج و هنرمندان این دوره به صورت کلی و عمومی پرداخته شده است.

در این زمینه، می‌توان به سرگذشت موسیقی ایران اثر روح‌الله خالقی، تاریخ موسیقی ایران اثر حسن مشحون و تاریخ موسیقی نظامی ایران تألیف حسینعلی ملاح اشاره داشت که تا حدودی صرفاً به روند موسیقی در عصر ناصری اشاره داشته‌اند، اما به زمینه‌ها و چگونگی ورود هنر غرب به این حوزه نپرداخته‌اند؛ فقط ملاح اشاره‌هایی گذرا را بیان می‌کند. بی‌شک، تنها اثری که در حوزه نمایش عصر ناصری به سیر تحول این هنر اشاره‌هایی نسبتاً مفید داشته ادبیات نمایشی در ایران، اثر جمشید ملک‌پور، است. اما متأسفانه این پژوهش نیز فقط به سیر ادبیات نمایشی توجه کرده و تأثیرپذیری هنر ایرانیان و تأثیر آن بر جامعه هنری این دوره را چندان در اولویت قرار نداده و بیشتر تلاش خود را صرف بیان اصول و قواعد هنر نمایش‌نامه‌نویسی این دوره کرده است. در حوزه نقاشی، تألیف رویین پاکباز یگانه اثری است که به توصیف میزان تأثیر این هنر و متقابلاً هنرمندان این عصر از غرب پرداخته است؛ چنان‌که این اثر با عنوان نقاشی ایران از دیرباز تا امروز پژوهشی مستند در این باره محسوب می‌شود. اما پاکباز گاه با آوردن گزارش‌هایی بدون ذکر منابع تاریخی، کار خود را با نقصان نسبی مواجه کرده است.

با این حال، اثر پیش‌رو از یک مقدمه و پنج فصل مجزا تشکیل شده است. در فصل اول، روابط فرهنگی-هنری ایران با کشورهای اروپایی، از مغولان تا ابتدای عصر قاجار، بررسی شده است. مطالب این فصل، که مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی است، میزان روابط فرهنگی-هنری دوران حکومت مغولان، آق‌قویونلوها، صفویه، افشاریه و زندیه را با غرب به صورت مجمل بیان می‌کند.

در فصل دوم، زمینه‌های مؤثر در روند نفوذ غرب در ایران دوره قاجار، و به‌ویژه عصر ناصری، ذکر شده است، زیرا این عوامل بی‌شک مهم‌ترین علل

رواج سبک‌های غربی محسوب می‌شوند که شامل حضور مبلغان مذهبی، اعزام محصلان به اروپا، تأسیس دارالفنون و سفرهای ناصرالدین‌شاه به فرنگ است. در این فصل، کوشیده شده به شکل مستقل و مجزا به میزان تأثیر این عوامل با دیدی علمی و به دور از جانب‌داری‌های رایج پرداخته شود.

فصل سوم به بیان جایگاه موسیقی در دربار ناصرالدین‌شاه و تأثیر غرب بر آن اختصاص یافته است. در پی سفرهای ناصرالدین‌شاه به غرب و از سویی جذب معلمان اروپایی و آغاز به کار آنان در دارالفنون، نخستین گام‌های حضور آموزش موسیقی به سبک و سیاق غربی، به‌ویژه در حوزه موسیقی نظامی، با تلاش‌های مسیو لومر فرانسوی فراهم شد که سایر حوزه‌های فعالیت‌های موسیقایی مرتبط را نیز تحت تأثیر نسبی خود قرار داد. بر این اساس، در فصل سوم به تشریح و تبیین این جریان پرداخته شده است.

در فصل چهارم، میزان تأثیر غرب بر نمایش ایران، که از قدمتی کهن برخوردار است، بررسی و مذاقه شده است. با آغاز نمایش‌نامه‌نویسی به سبک و سیاق اروپایی در آثار افرادی همچون آخوندزاده و تبریزی و پس از ترجمه نمایش‌نامه‌های نویسندگان غربی، به‌ویژه مولیر، و سپس اجرای این آثار در تماشاخانه دارالفنون، که به تقلید از تماشاخانه‌های فرنگ ساخته شده بود، نخستین اقدامات به منظور اشاعه و گسترش نمایش به سبک غربی در پرتو حمایت ناصرالدین‌شاه انجام پذیرفت. از این رو، در فصل چهارم به صورت مبسوط و اکاوی این امر مد نظر است.

فصل پایانی به یکی دیگر از حوزه‌های هنری متأثر از سبک‌های هنری غرب می‌پردازد. هنر نقاشی از دوره صفوی دستخوش تغییراتی - گاه بنا به علایق پادشاهان و گاه از سوی هنرمندان این عرصه - شد و این امر تا دوره

قاجار ادامه یافت. با ورود به عصر ناصری، بنا به دلایلی همچون علایق مفرط شاه، حضور نقاشان اروپایی در دربار و حضور معلمان ایرانی فراگرفته فنون هنری غربی، به‌ویژه سبک‌های ایتالیایی، این هنر روندی متفاوت را طی کرد؛ چنان‌که افرادی همچون صنیع‌الملک و کمال‌الملک به تقلید نسبی از سبک‌های غربی روی آوردند و به‌تدریج آن را به سبکی غالب و رایج مبدل کردند.

مصطفی لعل‌شاطری

(دانشجوی دکتری تاریخ، مشهد مقدس)

Email: mostafa.shateri@yahoo.com

Tel: 09154382143

فصل اول

نظری به روابط هنری ایران و غرب

(۱۲۱۰-۶۵۱ق / ۱۷۹۵-۱۲۵۲م)

روابط خارجی کشورهای آسیایی و اروپا عموماً از قرن جدید آغاز و متعاقباً روابط ایران و اروپا نیز بخشی از آن محسوب می‌شود. از آنجا که تاریخ دقیق ورود اروپاییان به ایران تا پیش از دوران حکومت مغولان مشخص نیست، براساس شواهد و مدارک تاریخی، پیشینه آن را باید از دوران مغولان بررسی کرد. از صدر اسلام تا حمله مغول، ایران با کشورهای غربی روابط فرهنگی- هنری مشخصی نداشت؛ به نحوی که جنگ‌های صلیبی (۶۶۹-۴۹۲ق/ ۱۲۷۰-۱۰۹۸م) تا حدودی اروپا و آسیا را به یکدیگر نزدیک کرد و نفوذ فرهنگ اسلامی را در اروپا به همراه داشت و متقابلاً روابط گسترده فرهنگی- هنری را نیز بین آن‌ها موجب شد؛ چنان‌که این ارتباط در بیشتر موارد به وسیلهٔ تجار و کشیشان مسیحی انجام پذیرفت.

۱-۱. از مغولان تا آق‌قویونلوها

با یورش مغول به ایران و ضعیف شدن قدرت حکومت عباسیان، ملل اروپایی روابط خود را با ایران آغاز و از این رو سفیرانی به دربار چنگیزخان اعزام کردند که بیشتر با رویکردی مذهبی همراه بود. در این میان، گویا نخستین روابط در زمان حکومت هلاکوخان (۶۶۳-۶۵۱ق/ ۱۲۶۴-۱۲۵۲م) انجام پذیرفت، اما به دلیل جنگ‌های صلیبی پایداری و استمرار نداشت. پس از او، با به تخت نشستن اباقاخان (۶۸۰-۶۶۳ق/ ۱۲۸۱-۱۲۶۴م) و ازدواج با دختر امپراتور میخائیل پالئوگوس^۱،

1. Mikhail Paleogus

فرمانروای بیزانس - که مریم نام داشت و نامزد پدرش بود - روابطی صمیمانه‌تر با ملل غربی برقرار شد. اما این روابط نیز پس از حضور چند سفیر در دربار یکدیگر بی‌نتیجه ماند (Frye, 2003: 404؛ مهمید، ۱۳۶۱: ۷۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۲۲۹). هر چند در دوره مغول روابطی ناپایدار میان ایران و غرب آغاز شد، در این روابط هدف ملل غرب، بیش از همه، سعی در نفوذ مسیحیت در ایران و از سوی دیگر بهره‌گیری از نیروی نظامی مغولان در جنگ‌های صلیبی بود تا در پی آن از خصومت مغولان علیه مسلمین مصر و شام استفاده شود. از این رو، در عصر ایلخانان نامه‌های دوستانه‌ای بین دربار پاپ و پادشاهان اروپا با دربار ایلخانان مبادله شد (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۷۶: ۱۵۹ و ۲۸۳).

با قدرت گرفتن و روی کار آمدن دولت عثمانی، روابط ایران و اروپا جلوه‌ای دیگر یافت؛ چنان‌که این ارتباط از سده هشتم قمری / چهاردهم میلادی از سوی ایران در راستای اتحاد با ملل اروپایی در راه روابط خصمانه با عثمانی بود. امیر تیمور گورکانی در سال ۸۰۴ق / ۱۴۰۱م با جمهوری ونیز و امپراتوری رو به اضمحلال روم شرقی همراه و بر بایزید یکم غالب شد. این فتح به خرسندی ملل اروپایی و کلیسای کاتولیک و نزدیکی روابط آنان منجر شد. در پی آن، تیمور با شارل ششم و هانری چهارم، پادشاهان فرانسه و انگلستان، مراوداتی را برقرار کرد، اما این روابط نیز دیری نپایید و با مرگ تیمور خاتمه یافت (قائم‌مقامی، ۱۳۴۹: ۱۳۶-۱۳۵).

روابط ایران و غرب پس از دوره تیموریان در عصر قراقویونلوها (۸۷۳-۷۸۲ق / ۱۴۶۸-۱۳۸۰م) به لشکرکشی‌های فرمانروایان این سلسله به گرجستان محدود شد، زیرا آنان به دلیل داشتن روابط نسبتاً مسالمت‌آمیز با دولت عثمانی، ارتباط چندانی با اروپا نداشتند. اما با غلبه سلطان حسن بیگ آق‌قویونلو (۸۸۳-۸۷۱ق / ۱۴۷۸-۱۴۶۶م)، معروف به اوزون حسن، بر سپاهیان قراقویونلو برای مقابله با امپراتوری عثمانی پیمان اتحاد محکمی با

دشمن نیرومند غربی آن امپراتوری، جمهوری ونیز، منعقد کرد که ثروت آن به واسطه جنگ‌های صلیبی و به خصوص جنگ صلیبی چهارم افزایش یافته بود. از این رو، در سال ۸۷۷ق / ۱۴۷۲م سفیری برای خرید اسلحه به ایتالیا و دربار ونیز اعزام شد و همچنین پیمان اتحادی با مجارستان، لهستان و سایر دول غربی منعقد کرد (کاسمینسکی، ۱۳۵۸: ۱۶۲؛ مهمید، ۱۳۶۱: ۷۶-۷۷؛ ططری، ۱۳۸۶: ۱۸). اوزون حسن از سوی دیگر برای تحکیم دوستی با ملل مسیحی، و به‌ویژه امپراتور ونیز، با دختر وی، کیراکاترینا^۱ ازدواج کرد و در پی آن از این زن صاحب یک پسر و سه دختر شد که از این دختران مارتا^۲، اولین فرزند اوزون حسن، به ازدواج شیخ حیدر درآمد و اسماعیل (شاه اسماعیل اول) از او متولد شد (هینتس، ۱۳۴۶: ۴۳-۴۱؛ روملو، ۱۳۴۷: ۳۰۹؛ باربارو، ۱۳۴۹: ۲۷۳-۲۷۲).

هرچند نیروی عثمانی به‌منزله سدی نیرومند و مانعی بزرگ برای نزدیکی روابط ایران با اروپا محسوب می‌شد، در همین شرایط نخستین روابط در حوزه فرهنگی - هنری با غرب برقرار شد؛ چنان‌که گروهی از صنعت‌گران فلزکار، که در خلق آثار هنری کم‌نظیر بودند، به ونیز رفتند و در آنجا به خلق آثار منحصربه‌فرد پرداختند. این آثار در اندک‌زمانی در همه سرزمین‌های اطراف رواج یافت و کتاب‌هایی در این باره به نگارش درآمد و حتی این شیوه به انگلستان رسید. آثار هنری پدیدآمده در عصر ملکه الیزابت شاهد صادقی است بر نفوذ هنر ایرانی در زمینه فلزکاری و زرگری و طرح‌های هنری (Cakmak, 2005: 96; Necefli, 2013: 102; شیبانی ۱۳۵۳: ۱۶؛ ساکس، ۱۳۳۰: ۲۰۳-۲۰۲). اما به نظر می‌رسد در اندک‌زمانی پس از روی کار آمدن صفویه و قاجاریه، ایرانیان تا حد زیادی به کسب هنرهای غربی روی آوردند؛ به

1. kyra katerina
2. Marta

نحوی که تا اندازه زیادی سبک‌های اصیل خود را به دست فراموشی سپردند و آن‌ها را تا حدودی مورد بی‌مهری قرار دادند.

۲-۱. روابط نزدیک در عصر صفویه

به دنبال اکتشافات جغرافیایی و آشنایی با راه‌های جدید دریایی، که از دوره قبل از صفویه آغاز شده بود، روابط میان ایران و ملل غربی فزونی یافت؛ به نحوی که هر چند اروپاییان از زمان آق‌قویونلوها از برقراری ارتباط با ایران بیش از هر چیز در پی گسترش آیین مسیحیت و حفظ راه‌های تجاری بودند، به صورت ناخواسته در پی این روابط از دوره صفویه به بعد، در سطحی گسترده، رشته‌های گوناگون هنری همچون نقاشی، موسیقی و غیره، مانند سایر فعالیت‌های فرهنگی-هنری، تحت تأثیر دستاوردهای غربی قرار گرفت (اصفهانیان، ۱۳۶۷: ۲۱-۲۰؛ طاهری، ۱۳۴۹: ۴۲)، زیرا عصر صفویه دوره فزونی روابط ایران و اروپا بود. در این زمان، کشورهای اروپایی گرفتار حملات عثمانی بودند و آن دولت برایشان خطری بزرگ محسوب می‌شد و دشمنی دیرینه میان ایران و عثمانی آنان را از این خطر تا حدودی محافظت می‌کرد. از این رو، روابط با ایران برای آنان جنبه حیاتی داشت و به دنبال این جریان، مسئله نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مد نظر زمامداران اروپا قرار گرفت و تعداد نسبتاً گسترده‌ای از اروپاییان در قالب بازرگان، سیاح و مبلغ مذهبی به ایران آمدند. وجود این افراد موجب شد به تدریج آداب و رسوم و تمدن غربی در ایران رخنه کند و زمینه‌های گوناگون فرهنگ و هنر ایرانی را تحت تأثیر خود قرار دهد. ایجاد سبک‌های جدید هنری به تقلید از غرب در عصر صفوی و ادوار پس از آن را می‌توان شاهدهی بر این ادعا دانست.

شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ ق / ۱۵۲۳-۱۵۰۱ م) روابط ایران و کشورهای اروپایی را به شکل نسبتاً جدی بنیان نهاد. او پس از شکست از

عثمانی در جنگ چالدران (۹۲۰ق/ ۱۵۱۳م)، درصدد اتحاد با زمامداران مسیحی اروپا برآمد که دشمنان دولت عثمانی محسوب می‌شدند؛ تا به کمک آنان سلطان عثمانی را شکست دهد. از این رو، با امپراتور اسپانیا - که حاکم آلمان، هلند و بخشی از ایتالیا بود- پیمان اتحادی منعقد کرد و عملاً سیاست نزدیکی با غرب را در پیش گرفت (Frye, 2003: 404؛ پارسادوست، ۱۳۷۵: ۴۹۹-۴۹۸). متعاقباً کشورهای استعمارگری همچون پرتغال نیز توجه خود را به ایران معطوف داشتند. بدین رو، آلفونسو آلبوکرک^۱، دریاسالار پرتغالی، در پی برقراری روابطی با شاه اسماعیل برآمد و با تسلط بر خلیج فارس تا اواخر قرن دهم قمری در این ناحیه از اقتدار ممتازی برخوردار بود. با این حال، شاید بتوان نتیجه این حضور را در زمینه فعالیت‌های هنری، همچون نقاشی- نقاشی‌هایی که عمارت کلاه‌فرنگی را در شیراز مزین نموده- بیان داشت. گویا، این موضوع از نخستین تعاملات هنری در دوره صفوی محسوب می‌شد (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۵۹؛ فلسفی، ۱۳۴۶: ۱۰).

در دوره حکمرانی شاه طهماسب اول (۹۴۸-۹۳۰ق/ ۱۵۴۱-۱۵۲۳م)، تلاش برای روابط نزدیک با ایران از سوی اروپاییان ادامه یافت. علت عمده ایجاد این روابط، کامیابی‌ها و مقاومت‌های نسبی ایران در برابر پادشاهان عثمانی بود که با وجود توفیق‌های خود در اروپا، در این سو پیشرفت درخور ملاحظه‌ای نداشتند. این امر سبب شهرت ایرانیان در اروپا شد و دولت‌های آن سامان را تحریک کرد از این قدرت جدید برای حفظ خود استفاده کنند. دولت‌های ونیز، انگلیس، روسیه و پرتغال با این نیت سفیرانی به دربار شاه صفوی اعزام کردند. اما شاه طهماسب که مایل نبود با انگلستان و روسیه مناسباتی برقرار کند، از پیشنهاد فرستاده ملکه الیزابت، آنتونی جنکینسن^۲،

۱. به پرتغالی: Afonso de Albuquerque.

2. Sir Antony Jenkinson

در سال ۱۹۷۰ق/ ۱۵۶۲م استقبال چندانی نکرد و همچنین در سال ۱۹۷۹ق/ ۱۵۷۱م به دالساندري^۱، سفیر ونیز که برای انعقاد قرارداد نظامی علیه دولت عثمانی آمده بود، جواب منفی داد (فلسفی، ۱۳۱۶: ۱۸، ۱۱۵ و ۱۱۶؛ مهمید، ۱۳۶۱: ۸۳؛ صفا، ۱۳۵۶: ۲۴۶). در این دوره، بیشترین فعالیت از سوی ملل مسیحی در حوزه جریان‌های مذهبی متمرکز بود و گویا به دلیل عقاید شاه طهماسب اول، هنرمندان غربی کمتر مجال هنرنمایی را در ایران یافتند؛ چنان‌که این امر در دوره سلطان محمد خدابنده (۹۹۶-۹۸۵ق/ ۱۵۸۷-۱۵۷۷م) نیز ادامه یافت (مهدوی، ۱۳۶۹: ۳۸-۳۷؛ فلسفی، ۱۳۴۶: ۱۸ و ۱۱۵).

با دستیابی شاه عباس اول به سلطنت (۱۰۳۸-۹۹۶ق/ ۱۶۲۸-۱۵۸۷م)، حوزه روابط ایران با غرب، به‌ویژه در عرصه فرهنگی-هنری، گسترش منحصر به فردی یافت. در این زمان، حضور مسیحیان اروپایی در محیط دربار رونق یافت و از همین رهگذر، امکان آشنایی با فرهنگ غرب و هنر آن سرزمین‌ها فراهم آمد (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۵۸؛ تکاندر، ۱۳۵۱: ۵۱ و ۵۴؛ مهمید، ۱۳۶۱: ۸۷). علاوه بر این، نباید نقش کارشناسان نظامی غرب، همچون آنتونی شرلی و رابرت شرلی^۲، را نادیده گرفت که با توجه به دوران اقامت خود، خواسته یا ناخواسته، در دربار شاه عباس به ترویج هر چه بیشتر فرهنگ غرب، چه در دربار و چه در میان توده مردم، پرداختند (Chew, 1965: 298; Stevens, 1974: 427; Eskandari, 2011: 253). همچنین، شاه عباس اول ضمن استقبال از مسافران اروپایی و ایجاد محیطی ایمن و کمک‌های مادی و معنوی فراوان، آنان را به اسکان در ایران ترغیب و تشویق کرد. در پی تعاملات این گروه با مردم، فرهنگ و هنر آنان نیز در ایران گسترش

1. Dallsanderi

2. Anthony and Robert Sherley